

باید ما بفهمیم یا نباید بفهمیم
 رئیس - چه میفرمائید
 طهرانی - آخر هیچ يك ازو کلانمی
 فهمند خوب است بقیه اش را بگذارید
 برای جلسه بعد
 آقا سید یعقوب - تیر آقا همین
 حالا خوانده شود
 برای جلسه بعد چرا بماند مدتی
 امروز وقت ما را تلف کرده مدتی هم يك
 روز دیگر تلف کند
 (خنده بین نمایندگان)
 رئیس چند سطر دیگر بیشترنمانده
 است

بنابر این اگر بخواهم وارد اعداد
 شده و ۲۳۹۸۸۲۵ تومان عمائد مملکتی
 را که بیش بینی شده است بتناسب اهمیت
 مخارج مملکتی تقسیم نمایم اعداد تقریبی
 ذیل حاصل خواهد شد

- (۱) قروض و تقلبات مالی خارج
 ۱۶۰۳۴۱۳ تومان
- (۲) قواء تأمینیه ۱۰۵۴۰۰۰۰
 تومان

وزرات جنگ - ۹۴۰۰۰۰
 نظمیة - ۱۴۰۰۰۰

(۳) حفظالصحة عمومی مرکزولایات
 ۳۰۰۰۰۰ تومان

(۴) ساختن و تعمیر راهها
 ۱۰۰۰۰۰۰ تومان

(۵) تعلیمات عمومی یا مخارج تحصیل
 بیست نفر شاگرد - ۱۰۰۰۰۰ تومان

(۶) اصلاحات فلاحی ۱۰۰۰۰۰۰
 تومان

(۷) مجلس - دربار ریاست وزراء
 مستشاران آمریکائی وظایف مخارج
 بیش بینی نشده

۱۹۹۹۲۰۸۴

۱۷۹۴۲۲۰۹۷ تومان

بعد از وضع مخارج مذکوره در
 فوق از ۲۳۹۸۸۲۵۰ تومان
 ۶۴۹۵۸۲۸ تومان باقی میماند که باید مابین
 وزارتخانه ها و ادارات دیگر مملکتی
 تقسیم شود در صورتیکه این پیشنهاد قابل
 توجه واقع شود کمیسیون محترم بودجه
 ابتدا اقلام درشت اعتبارات را تصویب و پس
 آن در حدود آن اعتبارات بودجه جزء
 تهیه خواهند نمود

رئیس - باید مراجعه شود بشعب یا
 کمیسیون بودجه؟

بعضی از نمایندگان - بشعب
 سردار معظم خیر آقا اجازه بفرمائید

خودم عرض کنم

بنده این پیشنهاد را باین نظر کردم
 که مراجعه بکمیسیون بودجه شود اگرچه
 خیلی متأسفم که این پیشنهاد را کردم که
 بواسطه نیمساعت گذشتن از ظهر مجلس
 طوری تلقی کرد این پیشنهاد را که حقیقه
 اسباب تأسف است

مهمنا بنده گمان می کنم رفتن لایحه

شعب اسباب تأخیر است چون موقع رفتنش
 معلوم است ولی موقع برگشتنش معین
 نیست وعقیده بنده این نبود که پیشنهاد
 بنده جائی برود که دقت بشود و بنا بر
 این عقیده دارم که پیشنهاد برود بکمیسیون
 بودجه و خود بنده هم که صاحب پیشنهاد هستم
 ممکنست حاضر بشوم در جلسات کمیسیون
 بودجه و توضیحات بدهم بلکه کار يك
 صورت عملی پیدا کند
 رئیس - خیلی خوب مراجعه میشود
 بکمیسیون بودجه

شیروانی - لایحه که نیست
 رئیس پیشنهاد است و راجع بودجه

است دستور فردا اولاراپرت کمیسیون
 قوانین مالیة راجع بالصاق تمبر بعرضحال
 ها ، ثانیاً راپرت کمیسیون قوانین مالیة
 راجع بالصاق تمبر بیلیط نمایشگاهها
 ثالثاً لایحه پوست بره رابعا راپرت
 کمیسیون بودجه راجع بمقتاعدین
 وزارت خارجه

خامساً راپرت کمیسیون محاسبات
 مجلس راجع بکنتترات دونفر آلمانی برای
 مطبعه مجلس
 آقای سردار معظم

(اجازه)
 سردار معظم بنده فراموش کردم

در تعقیب پیشنهاد خودم تقاضا کنم میخواستم
 استدعا کنی که امر بفرمائید طبع و
 توزیع شود که نمایندگان محترم درست
 ملتفت بشوند

رئیس - طبع و توزیع میشود جلسه را
 ختم میکنیم
 جلسه را ختم میکنیم

(سهرع بعد از ظهر جلسه ختم شد)
 رئیس مجلس شورای ملی
 موتمن الملک

منشی معظم السلطان م شهاب
 جلسه ۴۶

مجلس سه ساعت قبل از ظهر بر ریاست
 آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید

(صورتمجلس یوم چهارشنبه ۱۵
 اسد را آقای آقا میرزا شهاب
 قرائت نمودند)

رئیس - آقای مستوفی الممالک را
 غائب بی اجازه نوشته اند اشتباه شده است
 ایشان با اجازه غائب بوده اند و يك کار
 فوری هم داشتند که راجع بخود مجلس
 بود نسبت بصورت مجلس کسی ایرادی
 ندارد؟

یک نفر از نمایندگان - خیر
 رئیس الوزراء - بر حسب دعوتی که

قبلا از دولت برای دادن استیضاح شده
 بود این است که اطلاعاً عرض میکنم دولت
 برای دادن استیضاح حاضر است و تعیین
 روز هم موکول بنظر مجلس است

رئیس - از طرف دولت برای تعیین
 روز پیشنهادی نمیشود؟

سر دار معظم - بنده پیشنهادی
 کرده ام

رئیس - آقای سردار معظم پیشنهاد
 نموده اند روز سه شنبه هفدهم محرم
 باشد

(جمعی از نمایندگان -
 صحیح است)

رئیس - مخالفی ندارد؟
 (بعضی از نمایندگان - خیر)

رئیس - وارد دستور میشود
 آقا سید یعقوب - بنده قبل از دستور
 عرضی داشتم اجازه میفرمائید؟

رئیس - بفرمائید
 آقا سید یعقوب - بنده خواستم از

اعضاء محترم کمیسیون نطق بعد از قدردانی
 از زحماتی که کشیدند تا نطق کمیانی امریکائی
 گذشت تقاضا کنم که تشکیل جلسات
 کمیسیون مطابق جریانی که دارد ادامه
 دهند که نطق کمیانی ایرانی هم (که حقیقتاً
 باری است بر ما که نطق امریکائی ها بگذرد
 و مال ایرانی ها بماند) که فوراً داخل در
 مذاکره بشویم و آنهم مطابق جریان خودش
 از مجلس بگذرد

رئیس - هنوز آن یکی تمام نشده
 است لایحه الصاق تمبر دوقرانی بعرضحال
 ها مطرح است

مذاکرات راجع بکلیات است در
 کلیات آقای سالار لشکر مخالف بودند
 بفرمائید

سالار لشکر - نسبت باین پیشنهادی
 که از کمیسیون راجع بالصاق تمبر دوقرانی
 بعرضحالها شده است در بعضی از موادش
 بنده مخالفم و تصور میکنم که باید تجزیه
 شود اینجا مینویسد:

در مرکز و در کلیه ولایات بکلیه
 عرضحالها و تقاضانامه هائی که بوزارتخانه
 و ادارات و مؤسسات دولتی داده میشود و
 همچنین بکلیه تصدیق نامه ها و مفاضانامه
 ها و سواد هائی که از ادارات دولتی تقاضا
 می شود

البته ازدیاد مالیات در موقع برای
 دولت لازم است ولی البته با خلاق و وضعیات
 مملکتی هم باید توجهی بشود

بلی اگر این قانون راجع بمؤسسات
 ووزارت خانهای دولتی است که در شهرها
 است البته خیلی سهل و ساده است هر کس
 عرضحال خودش را میدهد میتواند دوقرانی
 هم پول تمبر بدهد

ولی بنده تصور میکنم راجع بقراء و
 قضبات هم برای دولت ووزارت مالیة وهم برای
 رعایا زحمت میشود و عقیده بنده اینجا باید

بیک مستثنیاتی قائل شد مثلا تصور فرمائید
 در ولایات ایران بنده يك مثلی برای حوزه
 انتخابیه آذربایجان عرض میکنم مثلا بلوک
 هشترود يك بلوک خیلی بزرگی است که
 دارای چهارصد پانصد آبادی است و در
 آنجا اصلا پستخانه ندارد هر کسی که بآنجا
 کاغذ مینویسد باید بر نده تبریز یا گرم رود
 واز آنجا بدشترود ببرند در صورتیکه
 خرجی هم ندارد که برای آنجا پستخانه

تأسیس کنند

اولاً آنجا پستخانه ندارد که رعایا
 تمبر بخرند ثانیاً مؤسسات دولتی آنجا
 منحصراً است يك نایب الحکومه و یک پست
 امنیه البته آقایان مسبقاًند که رعایای
 ایران بیچاره هادر آن جاهر روز يك
 گفتگوهای خیلی جزئی پیدا میکنند مثلا
 راجع بزمن یا آب يك رعیت فقیری با
 همسایه خودش گفتگو پیدا میکند این را
 کجا باید عرض کند ؟ اگر پست امنیه
 نزدیک تر باشد بیرون آنجا اگر محل نایب
 الحکومه نزدیک تر باشد می رود آنجا در
 آن نقاط که صالحیه نیست رعیت هم که
 نمیداند عرضحال چیست سواد هم که ندارد
 هر نماینده دولت را که از دور می بیند فریاد
 میزند بمن ظلم شده بمن اذیت شده فرضاً
 اگر امنیه را به بیند همین فریاد را میزند در
 صورتیکه ممکن است برای دوقرانی که باو
 ضرر وارد آمده است این داد و فریاد را
 داشته باشد مثلا يك بار یونجه یاورکی
 داشته باشد که همسایه اش از او گرفته باشد
 حالا باید یکی عرض کند و باند اشتن بضاعت
 از کجا دوقرانی برای تمبر بیاورد ؟ پستخانه
 هم ندارد که تمبر بگیرد فرضاً يك امنیه
 را که از دور می بیند و فریاد میکند که
 بمن ظلم شده زمین مرا خراب کرده اند
 مال مرا برده اند باید آن امنیه هم در
 جواب بگوید اولاً دوقرانی تمبر بزمن بعد
 حرف بزمن ...

سردار معظم - حرف زدن پول تمبر
 لازم ندارد

سالار لشکر - در صورتی که ندارد

از کجا بیاورد دوقرانی پول تمبر بدهد ؟

این است که بنده ممتقدم در ایران مملکت
 باین وسیعی و بزرگی در صورتیکه بلوکات
 از هم خیلی دور افتاده اند قراء و بلوکات
 ودهات را استثناء کنند و این مسئله منحصراً
 شود به مؤسسات دولتی که در شهرها است
 والا در بلوکات خرج و زحمت جمع
 آوری این مالیات برای دولت زائد عایداتش
 می شود و اساساً هم بروحیات مملکت
 بر میخورد و باین وضعیت خاک و دوری
 از مرکز و نداشتن راه آهن و وسائل صحیح
 برای حمل و نقل و باینکه هر وقت يك
 قضایای خیلی جزئی هم برای رعایای فقیر
 و بی بضاعت پیش میاید مجبورند عرضحال
 بدهند بنده عقیده ام این است که اگر قراء
 و قضبات را استثناء نکنند هم باعث زحمت
 دولت وهم باعث رعایا خواهد شد
 و این ترتیب مثل این میماند که موکلین
 آنها و نمایندگان که از طرف آنها انتخاب
 شده اند نمیخواهند عرضحال آنها را
 بپذیرند

بلی اگر در شهرها در يك وزارتخانه

بروند و عرضحال بدهند و دوقران پول تمبر از عرضحال دهنده بگیرند چندان اهمیتی ندارد ولی دردهات و قراء و بلوکات این مسئله اسباب زحمت است و باید استثناء شود بعلاوه ممکن است ابتداء این مسئله را از شهرها شروع کنند اگر وضعیات اجازه داد کم کم از شهرها به بلوکات هم بشردهند والا قبل از وقت بلااستیضا بکلیه قراء و بلوکات برود بنده تصور میکنم اسباب زحمت هم برای دولت و هم برای رعایای فقیر که هر روز باید عرضحال بدهند میشود.

رئیس- آقای رهنما (اجازه)

رهنما- عرض کنم حضرت والا در این قسمت يك جنبه ضعیف قضیه را خواستند بگیرند که آن قضیه رعایای قراء و دهات است این مسئله ایست که ممکن است طرف توجه بشود ولی اساساً باید که این کاغذ بازی و کاغذپیرانی چه اندازه وزراء و رؤساء ادارات را دچار اشکال میکند.

نوشتن کاغذ هیچ سرمایه لازم ندارد هر کس صبح از خواب بلند میشود (بیشتر هم اغنیاء در میان صد کاغذ که مینویسد شاید یکی هم از فقرا نباشد) هزاران کاغذ مینویسند که بایستی وقت رئیس و منشی و ثبات اداره صرف آنها بشود که آنها را ضبط کنند تازه نتیجه هم دارد پولی از طرف دولت بآنها داده شده و آنها هم موظف بوده اند که وقت خود را کاغذخوانی کنند برای احتراز از این مسئله کاغذبازی چه باید کرد؟

برای اینکه مسئولیتی ولو بدادن دوقران پول تمبر هم باشد متوجه نویسندگان کاغذ بشود این لایحه پیشنهاد شد که هم از نوشتن کاغذ و این کاغذبازی جلو گیری شود و هم اعضاء ادارات بتوانند مرتباً بکارهای اداری شان برسند

پس بطور کلی نمیتوان گفت این کاغذبازی را ممکن است بصورت دیگر خاتمه داد

از طرف دیگر دولت باید بمرور يك عوائدی برای خودش پیدا کند که بتواند مصارف خودش را تأمین کند این عوائد را از کجا باید تأمین کند؟ معلوم است از همین راهها.

بعلاوه نوشتن این کاغذها باعث مشکلاتی برای دولت و اجزاء و رؤسای ادارات میباشد و هیچ فایده هم ندارد و این ترتیب که دوقران پول تمبر گرفته شود هم استفاده برای دولت داده و هم

برای جریان کارهای اداری مقید است يك قسمت دیگر که حضرت والا فرمودند راجع بکاغذ دهاتی ها است که این قسمت خیلی کم است و غالب کاغذ هائی که با ادارات می آید از طبقه اول و دوم است و اگر نگاه کنیم در صدی پنج کاغذ فلان رعیت و دهاتی نیست که بوزارتخانه می آید.

(بعضی از نمایندگان - بطور همههمه اشتباه کرده اید)

رهنما- بنا بر این ما نمیتوانیم آن را استثناء کنیم و این يك قانونی است که در عثمانی و مصر و بین النهرین هم هست و آنها هم يك اشخاصی نیستند که از رعایای ما غنی تر باشند و یا از ما نظر دقت شان کمتر باشد و این وسیله خوبی است و به عقیده من بهترین وسائل است برای این که هم زحمت رؤسای ادارات کم شود و هم يك عایدی نسبتاً مهمی است.

اگر طبقه اول اصرار در نوشتن مراسلاتشان بکنند که امیدواریم بکنند آن عوائدی که تحصیل میشود به مخارج دیگر دولت میرسد

بنا بر این بنده با نظریه حضرت والا که رعایای قراء و دهات را مستثنی کنیم مخالف هستم در صورتیکه آنها کاغذ بازی هم ندارند و این قانون بیشتر برای کسانی خواهد بود که ممکن است پول بدهند و آنها هم اغنیاء هستند که با ادارات طرف مکاتبات میباشد و فقراء چندان کاغذی به ادارات مینویسند.

رئیس- آقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده درسه جزو این لایحه اعتراض دارم و در بقیه عرضی ندارم

یکی مسئله عرض حال و یکی هم مفاصاحساب یکی هم تقاضانامه

در این سه قسم مخالفم ولی موضوع تصدیق نامه و سواردا عرضی ندارم

در این سه فقره مخالفت بنده این است:

اولاً در موضوع عرض حال مرد که می آید با مأمور نواقل سه شاهی دعوایش میشود که میخواهند با او اجحاف کنند و دل خوشیش این است که می رود بسه

ادارات دولتی تظلم میکند و احقاق حق خودش را میخواهد دیگر قوه این را ندارد که دوقران پول تمبر بدهد از این جهت بنده با این قسمت مخالفم

در موضوع مفاصاحسابها هم مخالفم زیرا مفاصاحساب کاشف از این است که فلان شخص حساب خودش را پرداخته و کسی که حساب خودش را میپردازد

باید تشویق کرد به اینکه يك چیزی هم از او بگیرند و این ترتیب مثل این است که اشخاص را به بد حسابی دعوت کنند مسئله دیگر تقاضانامه است که بنده مخالفم.

آقایان نمایندگان گانی که اینجا تشریف دارند میدانند که روزی ده تا بیست تا کاغذ از وضعیات بآنها میرسد.

اگر بنا باشد برای هر کاغذ بخواهند دوقران پول تمبر بدهند بودجه شان کفاف نمیدهد.

ولی در موضوع تصدیق نامه یا ارتقاء رتبه آنها را موافقم.

البته کسی که میخواهد درجه اش بالا برود یا سی تومان حقوق دارد می خواهد پنجاه تومان بشود دادن دوقران برای او اهمیت ندارد.

سردار معظم (مخبر) - اگر چه لایحه قانونی راجع بالصاق تمبر جزو لوایحی نیست که موافقت نمایندگان محترم را جلب کرده و درست مورد توجه واقع شده باشد ولی لازم است چند کلمه برای توضیح مطلب عرض کنم.

مقدمتاً باید گفته شود قانونی که کامل باشد و مورد اعتراض نباشد و پس از اجرای آن مورد مزاحمت هیچکس واقع نشود همچو قانونی در تمام دنیا هنوز وضع نشده.

قانون باید موارد کلی را بآیین نامه کند و البته در ضمن مستثنیاتی هم پیش خواهد آمد.

ولی ممکن است طوری اجرا شود که قانون بهتر عملی شود و مقصود قانونگذار را تأمین کنید.

بنا بر این اعتراضاتی که در نفر ناطق محترم کردند راجع بمستثنیاتی بود و راجع بکلیات نبود.

یکی از آقایان فرمودند ممکنست فلان رعیت که يك بار بوبه می آورد بشهر دم دروازه برای او مزاحمتی حاصل شود میخواهد عرض حال بدهد چرا باید دوقران پول تمبر بدهد.

باید دید تمام مواقعی که عرض حال داده میشود فقط و فقط راجع بيك چنین موضوعهائی است؟

بلی اگر اینطور بود بنده هم تصدیق میکردم که وضع این قانون لزومی نداشت.

اما خود آقا تصدیق دارند موردی که بیان کردند شاذ و نادر است (بعضی از نمایندگان - خیر شاذ و نادر نیست)

با اینکه آقایان شاذ و نادر نیست عقیده بنده تغییر نمی کند و بنده هم اشتباه نمی کنم.

اگر حساب کنیم در صدی نودونه خارج از این ترتیب است و بيك مورد مورد شاید اینطور باشد و قانون برای نودونه مورد نوشته میشود.

ناطق محترم دیگر گفتند در قراء و دهات اولاً پستخانه نیست که مردم تمبر بخزنند.

ثانیاً مردم که میخواهند حرف شان را بزنند چرا باید دوقران تمبر الصاق کنند اگر توجه بفرمایند اولاً معهود نیست که در قراء تمبر الصاق شود اگر توجه بفرمایند نوشته شده:

در مرکز و در کلیه ولایات بکلیه عرض حالها و تقاضانامه هائی که بوزارتخانه ها و ادارات و مؤسسات دولتی داده می شود.

باید تصدیق بفرمائید در قراء نه وزارتخانه است و نه مؤسسات دولتی بعلاوه خرید تمبر مستلزم ایجاد پستخانه نیست.

بعداً آنکه امر دائر شد که بعرض حال تمبر الصاق شود ادارات دولتی در هر جا باشد خود آنها تمبر دارند که بفرشند و بعرض حال الصاق کنند.

پس از احاظ بودن و نبودن تمبر اشکالی ندارد و باید دید علت اینکه این لایحه قانونی را کمیسیون قوانین مالیه قبول کرد چه بود؟

علتش بیشتر بواسطه تأمین احقاق حق مردم بود.

شاید از این حرف و بیان من بعضی ها تعجب کنند که چگونه بواسطه الصاق تمبر احقاق حق مردم میشود.

کم کردن زدن حرف مفت یعنی هر چه حرف مفت کمتر زده شود موجبات احقاق حق بهتر فراهم میشود و علت منطقی که مقنن در ودیعه عدلیه در نظر گرفته است عیناً همان منطق در الصاق تمبر و عرض حالها است.

چنانچه نماینده محترم آقای رهنما اشاره کردند حقیقتاً کسانی که با ادارات دولتی آشنا هستند و خودشان کار کرده اند باید بيك حقیقتی اعتراف کنند و آن این است که اکثر وصول عرض حالها اسباب بطوع رسیدگی و در نتیجه اسباب تأخیر احقاق حق مردم است

بنا بر این باید دید چرا عرض حالها زیاد است.

برای این است که عرض حال دهنده خودش را مقید بچیزی نمیداند.

مقید بجزا و سزا نمی بیند کاش می نویسد و میفرستد بيك وزارتخانه اداره ای بعد هر چه شد شد و دیگر علاقه مند بتفقیب مطالب هم نیست

مقید بجزا و سزا نمی بیند کاش می نویسد و میفرستد بيك وزارتخانه اداره ای بعد هر چه شد شد و دیگر علاقه مند بتفقیب مطالب هم نیست

مقید بجزا و سزا نمی بیند کاش می نویسد و میفرستد بيك وزارتخانه اداره ای بعد هر چه شد شد و دیگر علاقه مند بتفقیب مطالب هم نیست

مقید بجزا و سزا نمی بیند کاش می نویسد و میفرستد بيك وزارتخانه اداره ای بعد هر چه شد شد و دیگر علاقه مند بتفقیب مطالب هم نیست

مقید بجزا و سزا نمی بیند کاش می نویسد و میفرستد بيك وزارتخانه اداره ای بعد هر چه شد شد و دیگر علاقه مند بتفقیب مطالب هم نیست

مقید بجزا و سزا نمی بیند کاش می نویسد و میفرستد بيك وزارتخانه اداره ای بعد هر چه شد شد و دیگر علاقه مند بتفقیب مطالب هم نیست

مقید بجزا و سزا نمی بیند کاش می نویسد و میفرستد بيك وزارتخانه اداره ای بعد هر چه شد شد و دیگر علاقه مند بتفقیب مطالب هم نیست

مقید بجزا و سزا نمی بیند کاش می نویسد و میفرستد بيك وزارتخانه اداره ای بعد هر چه شد شد و دیگر علاقه مند بتفقیب مطالب هم نیست

مقید بجزا و سزا نمی بیند کاش می نویسد و میفرستد بيك وزارتخانه اداره ای بعد هر چه شد شد و دیگر علاقه مند بتفقیب مطالب هم نیست

مقید بجزا و سزا نمی بیند کاش می نویسد و میفرستد بيك وزارتخانه اداره ای بعد هر چه شد شد و دیگر علاقه مند بتفقیب مطالب هم نیست

مقید بجزا و سزا نمی بیند کاش می نویسد و میفرستد بيك وزارتخانه اداره ای بعد هر چه شد شد و دیگر علاقه مند بتفقیب مطالب هم نیست

مقید بجزا و سزا نمی بیند کاش می نویسد و میفرستد بيك وزارتخانه اداره ای بعد هر چه شد شد و دیگر علاقه مند بتفقیب مطالب هم نیست

مقید بجزا و سزا نمی بیند کاش می نویسد و میفرستد بيك وزارتخانه اداره ای بعد هر چه شد شد و دیگر علاقه مند بتفقیب مطالب هم نیست

مقید بجزا و سزا نمی بیند کاش می نویسد و میفرستد بيك وزارتخانه اداره ای بعد هر چه شد شد و دیگر علاقه مند بتفقیب مطالب هم نیست

مقید بجزا و سزا نمی بیند کاش می نویسد و میفرستد بيك وزارتخانه اداره ای بعد هر چه شد شد و دیگر علاقه مند بتفقیب مطالب هم نیست

ولی ادارات دولتی البته مکلفند بنام عرضحالها وقت و محال نمایند بنابراین باید در رتبه و در مقدمه کار وسائل ایجاد کرد که اصلاح رتبه های بی مورد کمتر زده شود و آنکسی که میخواهد عرضحال بدهد یا حرفی بزند بهای خود را سنجی کند پسند آید آن حرفی را که میخواهد بزند بقدر دوقران ارزش دارد یا نه.

اگر دید ارزش ندارد عرضحال ندهد و از خیال خودش متصرف شده و تعقیب نکند.

من منکر نیستم البته در ضمن یک اشخاصی هم پیدا میشوند که مورد تعدی بکفران و پانزده شاهی واقع شده باشند ولی باید مسئله بطور کلی باشد.

وقتی که فلان شخص دید برای پانزده شاهی باید دوقران بول ببرد بعد دیگر تعقیب نمیکند و میرود بی کارش.

بنابر این الصاق تبر دوقرانی برای کم کردن حرف مفت که بآلت نتیجه برای تأمین و تهیه وسائل احقاق حق مردم است و این تحمیلی نیست که بر مردم بشود و متعصب بقراء هم نیست که نام قزاق را بریزد و نباید گفت که اینهم چیز تازه است یا راهی ادارات دولتی هم الان این مسئله طهرانی - بیربط و برخلاف قانون است.

سردار معظم - بنده هم نگفتم موافق قانون است خواستم عرض کنم که از شدت احتیاج این امر واقع شده و علاوه بقیده من قانون آن عملیاتی است که احتیاجات زندگی او را ایجاد میکند و موافق آن قانون اجرا می شود که احتیاج ایجاد کرده باشد.

ملک الشعراء - احتیاجات ملت نه دولت.

سردار معظم - والا قانون ثوری میشود و باید گذاشت او را جزو کتابخانه پس برای احقاق حق مردم و برای زیاد ترسین عرضحالها بهترین است یک تمبری که مبلغش هم مختصر و دوقران باشد الصاق شود و عرضحالها این مقدمه را طی میکنند تا اینکه بواسطه کاسته شدن از عدم عرض حالها برای ادارات دولتی موجبات احقاق بیشتر فراهم باشد.

رئیس - آقای اشکر (حاضر نبودند) آقا سید یعقوب - بنده هم اجازه خواسته بودم.

رئیس - کی ؟ آقا سید یعقوب - در سابق اجازه

خواست بودم. رئیس - این اجازه ها که بنده میخواهم راجع بدوازدهم سرطان است. آقای دولت آبادی (اجازه) آقای دولت آبادی - بنده با یک قسمت از مطالبی که در این لایحه نوشته شده است موافق و باینکه قسمتش مخالف این فرمایشاتی که بعضی از آقایان کردند راجع بلزوم الصاق تبر برایش بنظر بنده تمامش متعنی نیست. مخصوصاً آنطور که شاهدان بیان کردند راجع بردمان دور دست از ولایات و از مرکز.

زیرا ما نگاه میکنیم می بینیم کارهایی که در وزارتخانه ها میگذرد دو قسم است.

یک قسمتش راجع باشخاص متول و اعیان و مردمان طینه اول است که این قسمت کارها اغلب با تلفن روی میز وزیر میگردد و دیگر عرضحال لازم ندارد. کفایت ندارد.

عرضحال مال زیر دست بیچاره است در این صورت بنده نسبت بعرض حالها مخالفم.

ممکن است به تصدیق نامه ها مفاسد حسابها تبر بچسباند و عیبی هم ندارد ولی عرض حالها مال ضعیف و فقیر است این یک عیب بزرگی است و عیب خیلی بزرگی هم دارد و آن این است که راه داخل را زیاد میکند قرطاس بازی را بیشتر میکند اسبابی فراهم می آورند که دوقران زیاد تر شود و روری هم برود ما نباید فراموش کنیم وضیت حاضره وزارتخانه ها را اگر اداراتمان منظم شود اگر وزارت خانه ها مان حسن جریان پیدا کند و آنطور که میبایست تنظیم شود دیگر قرطاس بازی را بر طرف میکند و این شدت و تکرار عریضه نگاری برای این است که امور در جریان خودش نیست.

اما کار وقتی بجریان افتاد عریضه ها کم میشود.

جاهی ندارد مردم از راه دور بلند شوند بیایند عریضه بدهند.

اینست که عرض میکنم افلا لفظ عرض حالها از توی این لایحه برداشته شود و آن کابلد که باید باشد فقط به شهرها اختصاص پیدا کند نه به قراء و دهات.

مخبر - خیال میکنم تجزیه راجع میشود به پس از ختم شورکلی و ورود در مواد.

فلاشور در کلیات است وقتی داخل

در مواد شدید تجزیه کنیم. (جمعی اظهار نمودند - مذاکرات کافی است) رئیس - مذاکرات کافی است ؟ (بعضی گفتند کافی است و بعضی گفتند کافی نیست) رئیس - آقای عظیمی (اجازه) عظیمی - بنده عرضی نداشتم.

رئیس - در دوازدهم سرطان استان ثبت شده. آقای شریعت زاده (اجازه) شریعت زاده - موافقم.

رئیس - بمفرماید. شریعت زاده - با توضیحاتی که از طرف موافقین شده است از دو نقطه نظر قبول این لایحه لازم است.

یکی از این نقطه نظر که حقیقتاً شکایات و تقاضا نامه ها که بوزارت خانها میرسد اغلب زیاد و بی مورد است و آنها تیکه در ادارات کار کرده اند میدانند که صد یکش ...

ملک الشعراء - آقا بلندتر بمفرماید نمی شوم تشریف بیاورید پشت تریبون شریعت زاده (در محل نطق) عرض کردم مخالفی که آقایان کردند مفاداً حاکی بوده باینکه عرض حالها و شکایات نامه ها و تقاضا نامه ها غالباً از قزاق صادر میشود اساساً نقطه ضعیفی که محل توجه آقایان بود این بود که نباید قانونی وضع کرد که بقزاق فشار بیاید البته این یک اصلی است که همیشه منظور نظر مقامات قوه اجتماعی باید بوده باشد که اجرای قوانین منتهی بفشار آوردن یک ضعیف مخصوص نشود و البته آقایان تصدیق میفرمایند که اگر مطلب غیر از این باشد محل اشکال نیست.

و برای تشخیص این مسئله آقایانی که در ادارات کار کرده اند بخوبی می دانند که با مراجعه به رورسیه ثابت میشود که صد یک عرض حالها و شکایات نامه ها صادر از اشخاص ضعیف و بی بضاعت نیست دلیلش هم این است که همیشه مناقشات و اختلافات مسائل مالی و اختلافات مالی است.

و تیکه بنام یک جامعه یعنی همان رعایا که طرف توجه آقایان است اصلاً طرف اختلاف نباشند دیگر چگونه میشود گفت که کلیه فشار و مخصوصاً فشار این قانون شامل حال آنها میشود

والیته این صحیح نیست و بعقیده بنده قانون لازم است و لزوم آن از نقطه نظر احتیاج دولت است که بالاخره برای

اجرای مصالح این مملکت عایداتی پیدا کند و علاوه ضرر بولی این قانون هم اگر ملاحظه بمفرماید.

بترتیبی است که فقط باید یک عرض حال تبر بچسباند باین معنی که اگر کسی یک شکایت نامه داد و بجای منتهی نشد و نتیجه نگرفت در تعقیب آن میتواند بدون الصاق تبر شکایت خودش را بکند و امروز هم در ادارات قضائی معمول است که وقتی کسی شکایت کرد و پول تبر داد دیگر هر چه بخواهد بنویسد پول تبر و مالیاتی از او گرفته نمیشود و نقطه نظر آقایان محفوظ است.

رئیس آقای امیر حشمت (اجازه) امیر حشمت - نظر باینکه در قسمت الصاق تبر بعرض حالها وزارت مالیه مقصودش جلوگیری از تکرار عرض حال و حجب نشدن دوسیه ها است.

بنده تصور میکنم که سرعت جریان امور و حسن اداره این نظر را بهتر تأمین میکنند اگر منظم در یک مرتبه که عرض حال با ادارات دولتی میفرستند اگر یک جواب مقتضی اعم از لا و نعم باو بدهند و تکلیف او را معین کنند دیگر تظلم حاضر نمیشود تکرار عرض حال کند و وقت خودش را ضایع کند در قسمت کاغذ نویسی و تلگراف کردن را محتمل میشود.

و دیگر اینکه مثلاً اگر یک نفر پنج شاهی یا یک قران پول نواقص با واجفان شود آنوقت اگر برای بکفران یا پنج شاهی نواقص عرض حالی ندهد و تظلم نکند ممکن است این تکرار پیدا کند و روزی مابقی از این راه مردم تعدی شود و اگر چنانچه بخواهد عرض حال بدهد و تعقیب کند بایستی دو قران پول تبر بدهد.

بنده عرض میکنم بچه مناسب باید بدهد ؟ دلیل ندارد و در یک موقعی که در دنیا تمام محاکمات مجانی شود این نوع تعدی نسبت ب مردم بشود در تحت فشار باشند مثلاً یک کسی در ماه پنج شاهی یا یک قران پول آب میدهد حالا اگر بلدی باین شخص آب نداده و درخواست عرض حال بدهد آنوقت باید در دردمه که تظلم میکند دوقران پول تبر بدهد؟

این نواقصی که در همین شهر گرفته میشود بنده می بینم بعضی از آقایان می فرمایند دردها خوب است نباشد و در شهرها باشد.

بنده عرض میکنم این نواقص گزافی که امروز این شهر میدهد و تماماً از یک قران و دوقران و پنج شاهی جمع آوری میشود چگونه ممکن است که یک تحصیل

دیگر هم بمردم بیک راه تعدی واجفانی برای مأمورین نواقص قائل بشویم و بنده فقط باصمت تبر عرض حال علیه موافقم و آنهم برای این است که در موقع خسارت از طرف مقابل گرفته میشود و با این قسمت تقاضا نامه ها مخالف نیستم برای اینکه ممکن است تقاضا نامه بدهد برای ترخیص رتبه در این صورت دوقران پول تبر بدهد و ضرری ندارد ولی یک قسمت هم راجع تصدیق نامه ها است مثلاً یک کسی یک دعوی پنججاری یا یک تومانی در عدلیه دارد و محتاج میشود که از یک اداره یک تصدیق نامه برله خودش بیاورد آیا باید برای یک پنج هزار یا یک تومان هر دو قران پول تبر بدهد؟

بنا بر این بنده با این قسمت که تبر بعرض حالها و مسئله تصدیق نامه ها و مفاسد حسابها باشد مخالفم و معتقدم که اگر مفاسد حسابها و وجوه از دست و پنج تومانی کمتر باشد باید حق گرفتن پول تبر نداشته باشند و اگر زیاد تر شد و لازم دانستند مختارند بگیرند و بنده هم مخالف نیستم.

(جمعی از نمایندگان - مذاکرات کامی است) (بعضی دیگر - کافی نیست) رئیس - رای میکنیم بکفایت مذاکرات.

مخبر اجازه میفرماید قبل از آنکه رای بکفایت مذاکرات داده شود یا داده نشود در کلیات باید یک نکته را عرض کنم از اعتراضاتی که شد معلوم میشود که کلیه اعتراضات متوجه بالصاق تبر به عرض حالها است.

مخبر - بالاخره بعضی فقراتی است که در ماده یک هست و پس از رای دادن و ورود در کلیات خود بنده هم بنظر آقایان موافقت میکنم که یک طریقی اصلاح شود.

بنا بر این بعقیده بنده در کلیات مذاکرات کافی است و خوب است داخل شور در مواد شویم و در مواد اگر اصلاحاتی لازم هست بشود مانعی ندارد.

رئیس - گویا آقای سائی با کفایت مذاکرات مخالف بودند.

یاسائی - بله اگر بنا شود ما وضعیت سوء ادارات را در نظر بیاوریم رئیس - داخل در اصل مطلب نشوید.

یاسائی - وارد نمیشویم. پیشتر شکایات متوجه بانها است و

بنده عقیده ام این است که این برخلاف اصل بیست و نهم قانون اساسی است که میگوید اشخاص حق تعرض بتمام مأمورین دولت باستثناء وزراء دارند و بعقیده بنده حالا ما بدون دقت و امان نظر رای می دهیم بلزوم الصاق تبر بعرض حالها و تقاضا نامه ها و گمان می کنم مخالف قانون اساسی باشد.

رئیس رای میکنیم بکفایت مذاکرات آقایانی که مذاکرات را کافی می دانند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند) رئیس معلوم میشود کافی است.

در این موقع بعضی از نمایندگان اجازه خواستند

رئیس هنوز ماده فراتر نرفته بی خود اجازه نگیرید.

دست غیب - دخول در مواد رای میخواهد ؟ رئیس قدری نامل بمفرماید - پیشنهادها قرائت شود دست غیب معذرت میخواهم (دو فقره پیش نهاد بضمون ذیل قرائت شد) مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی بنده پیشنهاد میکنم لایحه عرض حال مراجعه بکمسیون مالیه شود احتشام الحکماء بنده پیشنهاد میکنم این لایحه بر بکمسیون گردد اصلاحات شود و باید بمجلس دولت آبادی رئیس هنوز شما ایرادی نکرده در ضمن مواد اگر اصلاحاتی دارید بمفرماید حاج عمر المالك بنده با این پیشنهاد مخالفم.

مخبر - بعقیده بنده این مطلب محتاج برای نیست زیرا مطالب دوشور دارد و باید در مواد حرف زد

وقتی که نظر مجلس معین شد به کمسیون میرود و البته مطابق نظر کمسیون اصلاح خواهد شد چون هنوز شور نکرده اند و اعتراض نشده در این تقاضای ارجاع کمسیون مورد ندارد

رئیس آقای دولت آبادی پیشنهاد را مسترد میکنید یا رای میکنیم دولت آبادی مسترد میکنم.

رئیس رای میکنیم برای شور در مواد آقایانی که شور در مواد را تصویب میکنند قیام فرمایند (عده قلبی قیام نمودند) رئیس لایحه در دست رئیس لایحه در دست

لایحه الصاق تبر بلیطهای نمایش گاهها معارض است. مذاکرات راجع

بکلیات است آقای دولت آبادی (اجازه) ملک الشعراء آقا بمفرماید قرائت شود.

(بضمون ذیل قرائت شد) ماده ۱ از بلیط های ورودی بجالیس ذیل در صورتیکه حق ورود دریافت بشود اعم از اینکه بلیط های ورودیه برای یک یا چند جلسه یا بطور دائم باشد حق تبر ماخوذ میشود.

(۱) کلیه مجالس نمایش و تفریح عمومی (ب) نمایشگاه های صنعتی و امثال آن (ج) کلیه کنفرانس ها (د) نمایشگاه ورزش و مسابقه

آقای سید یعقوب موافقم (اجازه) رئیس آقای آشتیانی (اجازه) آقای میرزا هاشم آشتیانی - بنده عرضی ندارم رئیس آقای دامغانی (اجازه) شریعت دار دامغانی - بنده در داخله مالیه ال بلیط نمایشگاهها موافقم

رئیس آقای یاسائی (اجازه) بنده رأی آقای دولت آبادی بیان فرمودند رئیس - اینجا اسم شما جز موافقین ثبت شده است یاسائی - غیر بنده مخالفم مشیر این اعتراض که آقای دولت آبادی فرمودند بنظر بنده وارد نیست زیرا ما تقاضای تبر میکنیم که حتماً از ورود بکنفرانسها حق دریافت شود اینجا نوشته شده است از بلیطهای ورودی بجالیس ذیل و تصور میکنم حق ورود دریافت بشود اعم از اینکه بلیطهای ورودیه برای یک یا چند جلسه یا بطور دائم باشد حق تبر ماخوذ بشود

در باب ششدهم هم بدولت داده شود والا اگر حق ورود گرفته نشود دولت هم توقیف ندارد.

علاوه این قانون که برای امروز نوشته نمیشود برای مدت متعددی است فرض کنید در آتی موادی پیش آمد که کنفرانسها زیاد شد و بلیطهای ورودی فروخته شد اگر اینطور شد از آن بلیط فروخته شده یک سهمی دولت خواهد گرفت والا هیچ رئیس - مذاکرات کافی است محمداشاه میرزا شیخ الرئیس - غیر کافی نیست.

رئیس - نوبت شاهزاده باین زودی رای گرفته میشود بکفایت مذاکرات آقایانیکه مذاکره و کافی میدانند قیام فرمایند همه کثیری برخاستند رئیس معلوم میشود مذاکرات کافی است ها نمیرسد رای میکنیم برای شور در مواد آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند (اکثر نمایندگان قیام نمودند) رئیس تصویب شد ماده اول قرائت می شود.

(شرح ذیل خوانده شد) ماده ۱ - از بلیطهای ورودی بجالیس ذیل در صورتیکه حق ورود دریافت بشود اعم از اینکه بلیطهای ورودیه برای یک یا چند جلسه یا بطور دائم باشد حق تبر ماخوذ میشود.

(۱) کلیه مجالس نمایش و تفریح عمومی (ب) نمایشگاه های صنعتی و امثال آن (ج) کلیه کنفرانسها (د) نمایشگاه ورزش و مسابقه

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه) آقای میرزا هاشم آشتیانی - بنده عرضی ندارم رئیس آقای دامغانی (اجازه) شریعت دار دامغانی - بنده در داخله مالیه ال بلیط نمایشگاهها موافقم

گبود رأی خواهند داد
(اخذ و استخراج آراء بعمل
آمده اوراق سفید ۷۸
ورقه تعداد شد)

رئیس - عدده حاضر (۸۷) با کثرت
هفتاد و هشت رأی تصویب شد . کثرت
یک نفر دیگر تبعه آلمانی میماند برای جلسه
بعده . رایورت کمیسیون هرایض و مرخصی
قرائت میشود

(رایورت کمیسیون مزبور راجع
بمرخصی سه ماهه آقای مصباح
السلطنه بشرح زیر قرائت شد)

آقای مصباح السلطنه نماینده محترم
بواسطه رفع یاره آلودگی ها استجازه
مرخصی مینمایند که سه ماه بارض اقدس
مشرق شده رفع آلودگی های خود را
بنمایند .

کمیسیون پس از مشاوره تصویب می
نماید که از روز حرکت مدت غیبت را بنا
اجازه ثبت نمایند

رئیس - آقای تدین
(اجازه)

تدین - موافقم

رئیس - مخالفی ندارد؟ رأی میگیریم
آقایانی که این رایورت را تصویب میکنند
قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . مطلبی هست
که باید برای اطلاع آقایان عرض کنم
راجع بلائحه تبر دو قرانی که پیشنهاد شده
بود بنده بعد از اینکه رایورت کمیسیون رد
شد لایحه را اعلام کردم چون در نظامنامه
موادی دارد که ممکن است اسباب اشتباه
شود این است که از حالا عرض میکنم که
خاطر آقایان مسبوق شود وقتی که لایحه
مراجعه می شود به مجلس و از اینجا می رود به
کمیسیون بعد از اینکه از کمیسیون لایحه دو
باره آمد به مجلس رایورت کمیسیون نسبت
به لایحه دوات مقدم است اصلاحاتی هم که از
طرف افراد پیشنهاد میشود نسبت به رایورت
کمیسیون حق تقدم دارد یعنی اول اصلاح
مطرح میشود و شور شده و رأی میگیرند
اگر تصویب شد قبها والا بماده پیشنهادی
کمیسیون رأی گرفته می شود اگر آن ماده
هم که در رایورت کمیسیون نوشته شده رد
شد آن وقت بلائحه ددلت رأی گرفته می
شود اگر آن ماده هم که در رایورت کمیسیون
نوشته شده رد شد آنوقت بلائحه دولت
رأی گرفته می شود اینجا بعد از آنکه رایورت
کمیسیون رد شد بنده اعلام کردم که لایحه
رد شده است همچو خیال نکنند بعد از آن
که رایورت کمیسیون رد شد میبایستی لایحه
دوات مطرح شود برای اینکه کلیات رایورت
کمیسیون با کلیه لایحه دولت هر دو اساساً
یک زمین بود چون بنده دیدم اساس هر دو
یکی است رایورت کمیسیون که رد شد مرض
کردم لایحه دوات هم رد شده است اما در
مواقع دیگر این مسئله ملاحظه خواهد شد

و این سابقه نخواهد بود . جلسه ختم می شود
معمولاً همه ساله در ده دوم محرم در مجلس
اقامه عزاداری حضرت خامس آل همام باشد
امسال بواسطه شدت گرما اگر تصویب فرمائید
در ماه صفر بشود

(نمایندگان صحیح است)

آقای رئیس التجار

رئیس التجار - بنده میخواستم استدها
کنم لایحه پوست بره در جلسه آتیه یعنی
جلسه پانزدهم محرم جزو دستور شود
رئیس - جلسه آتیه روز یکشنبه پانزدهم
محرم دستور - اولاً مواد ارجاع شده
بکمیسیون انقض

ثانیاً لایحه پوست بره

ثالثاً شور دوم لایحه راجع بالعاق تبر
به بلیطهای نمایندها

رابعاً کثرت آن یک نفر تبعه آلمانی
برای مطیبه مجلس آقای امیر حشمت
(اجازه)

امیر حشمت - بنده دو مسئله را قبل از عرض
کرده بودم جزو دستور جلسه هشتم سرطان
شد ولی چون موقع نرسید همینطور ماند
خواستم تقاضا کنم اگر چنانچه در جلسه
آتیه وقت شد و کارهای مهم تری هم نبود
جزو دستور شود یکی راجع ببلدیه است یکی
هم راجع بحساب مالیاتها در مقابل مطالبات
معوقه مردم است

رئیس - بعد از این چهار فقره که معین
شدا اگر وقت باقی ماند جزو دستور میشود .
آقای آقا سید یعقوب

(اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده عرضی ندارم
رئیس - آقای حاج عزالمالك

(اجازه)

حاج عزالمالك - بنده خواستم عرض
کنم لایحه علامت صنعتی و تجارتنی که پیشنهاد
مجلس شده است جزو دستور شود

رئیس - اگر وقت شد جزو دستور
میشود والا جزو دستور جلسه نوزدهم محرم
خواهد شد آقای ارباب کیخسرو

(اجازه)

ارباب کیخسرو - بنده استدها دارم
کثرت یک نفر دیگر آلمانی در جلسه آتیه
بعد از شور در موارد نطق مطرح شود که
عقب نیفتد

رئیس - مخالفتی ندارد ؟
(گفته شد خیر)

در درجه دوم دستور گذارده میشود
آقای طهرانی

(اجازه)

آقا شیخ محمد علی طهرانی - بنده
تقاضا دارم اگر کمیسیون تجدید در نظر در
قانون انتخابات در آن چند ماده قانون
استخدام نظری کرده اند جزو دستور
گذارده شود

رئیس - هنوز حاضر نشده است
مجلس سه ربع ساعت بعد از ظهر ختم
شده .
رئیس مجلس مؤتمن الملك معظم السلطان
م . شهاب

جلسه چهل و هفتم

صورت مشروح مجلس

یوم یکشنبه ۲۶ برج اسد

۱۳۰۴ مطابق ۱۵ محرم

۱۳۴۳

(مجلس سه ساعت قبل از ظهر به

ریاست آقای مؤتمن الملك

تشکیل گردید

(صورت مجلس پنجشنبه شانزدهم

اسد را آقای آقامیرزا شهاب

قرائت نمودند)

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

(اجازه)

آقا سید یعقوب - در صورت مجلس
ذکری از تقاضای بنده راجع بدادن امتیاز
نطق بکمیانی های ایرانی نشده است . ما اگر
مقتضی باشد ذکری از آن بشود

رئیس - فرمودید اگر مقتضی باشد

آقا سید یعقوب - خواستم تذکر بدهم

که این تقاضای بنده در صورت مجلس

نبوده

رئیس - چون خیلی جزئی بود نوشته

نشده است .

آقای ناصر الاسلام

(اجازه)

ناصر الاسلام - باینکه بنده اجازه

مرخصی داشتم و در جلسه قبل هم حاضر

بودم معذرت بنده را غائب بی اجازه

نوشته اند .

رئیس - تحقیق میشود بعد اصلاح

خواهد شد . دیگر ایرادی نیست؟

یک نفر از نمایندگان - خیر

رئیس - چون مدت شعبه ها منقضی

شده است لازم است امروز برای تعیین

شعبهها قرعه کشیده شود

برای اطلاع آقایان عرض میکنم عدده

حاضر صدونه برای ه شعبه هیجده نفر والا

شعبه اول که نوزده نفر خواهد بود و باز

برای اطلاع خاطر آقایان عرض میکنم

عادت ما براین است اشخاصی را که در

شیران هستند جزء حاضر در مرکز حساب

نمیکنیم

(آقای معظم السلطان استقرا

نمود و نتیجه بطریق ذیل حاصل

گردید)

شعبه اول - آقایان : حاج آقا اسمعیل

سردار اسد . باستانی . عماد السلطنه

شیخ الاسلام ملایری . ضبا الواعظین .

آقا شیخ محمد علی طهرانی . دبیر اعظم .

مساوات . سالار اشرف . مدبر الماک .

آشتیانی . معظم السلطان . رهنما .

سالار لشکر . معاضد السلطنه . سردار

معظم خراسانی . ناصر سیف